

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباوچ

ربی مناخم مندل شینرسون

ترجمه کتاب Torah studies

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

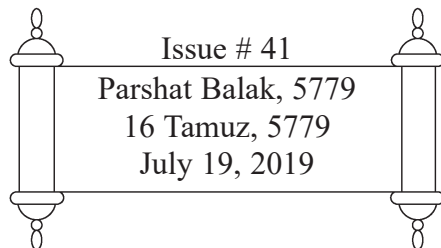
ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:
Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:
Chabad Persian Youth
&
Moshiach Awareness Center



Friday, July 19, Light Shabbat Candles, by 7:45 p.m.
Saturday, July 20, Shabbat ends at 8:48 p.m.
(Times are for Los Angeles)

برعکس به نیرویی بالاتر از تورا احتیاج است که یک فرد یهودی می تواند بوسیله توبه و تشووا آنرا بدست آورد. این توبه و تشووا حتی گناهان عمدی را به امتیازات روحانی و برعکس تبدیل می کند. همانگونه که در مورد زمیری که با عمل خود مقدس ترین ها را به ناپاک ترین ها تبدیل کرد.

مجازات گناه می بایست با عمل گناه مناسبت داشته باشد و از آنجا که زمیری در حال سوء استفاده از قدرتی بود که بالا تر از قدرت تورا قرار داشت، او نمی توانست بوسیله نمایندگان تورا یعنی بت دین مجازات بشود بلکه می بایست بوسیله شخص که رابطه اش با خداوند بالاتر از تورا می بود یعنی شخص پینحاس غیرتمند مجازات بشود.

تورا مرزهایی را در مورد خوب و بد، مجاز و غیر مجاز، بیسرائل و ملت های دیگر تعیین می کند ولی فرد یهودی منابعی را در روح خود موجود دارد که می تواند با استفاده از آنها از این مرزهای برای بهتر شدن و یا بدتر شدن عبور کند و یا بوسیله آنها ذره های تقدس را از ناپاک ترین مرزهای نامقدس نجات دهد...

(Source: Likkutei Sichot,
Vol. 8, pp. 150-158)

(منبع لیکوتی سیخوت جلد هشتم ص ۱۵۸ تا ۱۵۰)

THIS ISSUE IN PRINTED IN LOVING MEMORY OF

Mrs. Farhangis Mojdehi bat Rachamim ע"ה

Passed away on 23 Tamuz, 5772

ת. נ. צ. ב. ה.

*

DEDICATED BY HER FAMILY שיחיו

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:

CPY
Chabad Persian Youth
9022 W Pico Boulevard.
Los Angeles, CA 90035
Tel.: (310) 777-0358
Fax: (310) 777-0357
http://www.cpycenter.org
e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

&

Moshiach Awareness Center,
a Project of:
Enlightenment For The Blind, Inc.
602 North Orange Drive.
Los Angeles, CA 90036
Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092
http://www.torah4blind.org
e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Hertzal Peer, Executive Director

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

که این گناه بیسرائل ها که از مرزی که خداوند برای آنها مقرر کرده بود تجاوز کرده بودند، کفاره بشود. پس بنابراین به او پاداش کهانت داده شد به این معنا که او هم از مرزهایی که خداوند مابین کهن ها و بیسرائل ها تعیین کرده بود گذر کرد و به مقام کهانت رسید.

۵- تداوم خطا

حالا مادرک می کنیم که چرا خطا و گناه این عمل نامشروع فقط در زمان انجام این عمل وجود دارد. در همه اعمالی دیگری که فرد یهودی انجام میدهد، حتی آنها که ممنوع هستند. تقدس یک فرد یهودی به حال خود باقی می ماند به همین علت است که می تواند آنها را بوسیله تشوا پاک کند. حتی در مورد روابط نامشروع مابین بیسرائل ها هم فرزندی که موجود می شود اگر چه فرزندی نامشروع است ولی هنوز مقدس است و عضوی از اعضاء جامعه یهودی به حساب می آید. در این مورد تقدس وجود دارد (ولی در محدوده نامشروع گرفتار و زندانی شده است). اما وحدت جنسی بازن غیر یهودی، شخص خطاکار را از قدوسیت اش جدا می کند و بنابراین خطا و گناه با این عمل گره می خورد و به این عمل وابسته می شود و با این عمل تمام می شود دقیق تر بگوئیم.

الف - به عنوان یک عمل ممنوع که شامل تمامی توانایی های انسان می شود این عمل در خود تمامی اثرات خطاهای دیگر را هم در بردارد و مجازات آن قطع وابستگی روح به خداوند و کارت می باشد.

ب: به عنوان یک عمل منحصر بفردی که قدرت های الهی و اساسی فرد یهودی را به قلمرو نامقدس و طوما منتقل می کند مجازات آن مرگ است. و از آنجا که گناه این عمل در طی انجام این عمل ایجاد می شود و نه بعد از آن بنابراین مجازات این عمل نیز می بایست در لحظه انجام خود این عمل انجام بشود و یا هرگز نمی توان آنرا مجازات کرد.

۶- وظیفه و پاداش شخص غیرت مند

چگونه است که مرگ این شخص باید بوسیله شخص غیرتمند انجام بشود و نه بوسیله بت دین؟ آزادی انتخابی که خداوند از طریق تورا به انسان داده است. آزادیست، بین انتخاب "خوب و بد، مرگ و زندگی". و نه^{۲۳} تبدیل خوب به بد و یا بد به خوب برای تبدیل بد به خوب و

بالاق

پاراشای این هفته شرح ماجرای روابط نامشروع بیسرائل ها با زنان اقوام اطراف شان می باشد. و اوج این ماجرا زمانی است که زیمری در جلوی چشم مشه و مردم بازن میدیانی همبستر می شود و پینحاس نوه اهرن غیرت ورزیده و هردو را می کشد و بخاطر این عمل او به مقام کهنی رسیده و مجازات بیسرائل ها متوقف می شود. از نحوه بیان این ماجرا و تفسیرات تلمود و راشی اینگونه می توان درک کرد که این گناه یک گناه معمولی نبوده بلکه این عمل پینحاس یک عمل روحانی بوده است. این مبحث این موضوع را بررسی کرده و دیدگاه تازه ای را در مورد فلسفه گناه، فلسفه پاداش و جریمه بر روی ما می گشاید.

۱- غیرت ورزی پینحاس

"و وقتی که پینحاس این موضوع را دید. از میان جماعت بلند شد و نیزه ایی در دست گرفت".^۱

راشی از قول تلمود^۲ در این مورد میگوید که «پینحاس این عمل زشت را دید و یکباره هلاخا بیادش آمد و به مشه گفت "من مطلبی را سنت وار از تو آموخته ام که مردان غیرت مند می توانند کسی را که روابط جنسی با زنان «هیتی» دارد را بکشند" حتی اگر چه این قانون بطور صریح در تورا نیامده است ولی معهدا می توان آنرا از مطالب تورا نتیجه گرفت بخصوص از ماجرای پینحاس که زیمری را به قتل رساند.^۳

حال ما می توانیم درک کنیم که چرا تورا می گوید و پینحاس هردو آنها را کشت. مرد بیسرائلی و زن را در ناحیه زیر شکم^۴ که در این مورد راشی توضیح میدهد "او نیزه را درست در ناحیه قسمت های مردانه و زنانه بدن آنها فرو برد تا همه بتوانند ببینند که او آنها را بدون علت واقعی و غیر عادلانه نکشته است. سؤال در این است که چه لزومی داشت که تورا توضیح بدهد که پینحاس نیزه اش را در کدام قسمت بدن آنها فرو برد؟ و چه لزومی داشت که پینحاس به بیسرائل ها نشان بدهد که عملش عادلانه و درست بوده است؟ مگر نه اینکه تلمود به ما می گوید که زیمری بصورت واضح و مشخص در جلو مشه دست به این عمل زد؟ علت این که تورا این

توضیحات را می‌دهد آن است که تورا اشاره به جزئیات مجازات یک چنین شخصی می‌کند که می‌بایست اولاً بوسیله شخص غیرت مند انجام شود و ثانیاً فقط در زمان انجام این عمل و نه بعد از انجام آن صورت بگیرد.

ولی چرا تورا به این قانون فقط اشاره‌ای می‌کند؟ چرا تورا این قانون را بصورت واضح و مستقیم عنوان نمی‌کند و آنرا فقط بصورت ضمنی در ماجرای بینحاس عنوان می‌کند؟ در تلمود آمده است^۵ که اگر کسی بخواهد در مورد این قانون خاص تحقیق کند ما نمی‌بایست به او بگوئیم که اینگونه عمل کند چرا که این قانون بصورت واضح در تورا نوشته نشده است. در واقع بخاطر اینکه فقط بصورت ضمنی در تورا به آن اشاره‌ای شده است به ما می‌فهماند که ما نمی‌بایست آنرا به کسانی که جویای آن می‌باشند تعلیم بدهیم و توصیه کنیم.

۲- ناحیه انجام عمل خطا

در میان اولین مفسرین تورا درباره قانون شخصی که با زنان «هیتی» رابطه جنسی برقرار می‌کند تفاوت عقیده وجود دارد. این تفاوت عقیده در این است که آیا این قانون به شخص زناکار مربوط می‌شود و یا به شخص غیرت مندی که آنها را مجازات می‌کند؟ عده‌ای از مفسرین معتقدند^۶ که از آنجا که بت دین نمی‌تواند دستور کشتن او را بدهد چرا که او محکوم به مرگ نیست پس به شخص غیرت مند دستور داده شده است که او را بکشد. و ادامه می‌دهند که چنانچه زیمیری حالت خوابیدن خود را عوض میکرد و از خود دفاع میکرد و بینحاس را می‌کشت او مجرم شناخته نمی‌شد^۷. چرا که زیمیری محکوم به مرگ نشده بود و این بینحاس بوده است که خواهان کشتن او بوده و عمل زیمیری فقط یک دفاع از خود به حساب می‌آید.

اما در تلمود می‌گوید که چگونه است که خداوند عمل بینحاس و اینگونه اعمال غیرت مندی را محق و مجاز اعلام می‌کند ولی ما می‌بایست این شخص را یعنی بینحاس را مجرم اعلام بکنیم. از این مطلب تلمود اینگونه نتیجه می‌گیریم^۸ که زیمیری و تمام کسانی که با زنان هیتی (غیر یهودی) عمل زنا را انجام می‌دهند محکوم به مرگ هستند ولی این حکم با تمام احکام مرگ دیگر این تفاوت ها را دارد که انجام آن :

۵- سنهدرین ۸۲ الف ۶- رآن سنهدرین ۸۲ الف ۷- سنهدرین ۸۲ ب

۸- عقیده ربماب در سفر همیسوت، شُرش ۳

است و در طول زندگیش نتوانسته است آنها را ظاهر کند. بوسیله این وحدت جنسی که از تمامی ذات او حاصل می‌شود او فرزندی را ایجاد کند که توانایی‌هایی بالاتر و بهتر از خود او داشته باشد.

به این ترتیب یک وحدت جنسی نامشروع به معنای انتقال ذات اصلی و درونی فرد به قلمرو و محیطی است که قانونی و مشروع نمی‌باشد و این همانند گناهان دیگر نیست که فقط قسمتی از توانایی‌ها و استعدادهای انسان را شامل میشود. و از این مهمتر وحدت جنسی با یک زن غیر یهودی گناهی بزرگتر از هرگونه گناه دیگر می‌باشد^{۱۸}. چرا که این عمل تجاوزیست به حد و مرزی که خداوند مابین یهودیان و دیگر ملل دنیا قرار داده است. (مرز و حدی که به قول میدارش همچون مرز وحدتی است که مابین شب و روز وجود دارد). فرد یهودی که در میان قومش خطا می‌کند هنوز یک فرد یهودیست و فرزندش هم اگر چه قانونی و مشروع نیست ولی هنوز یهودیست و^{۱۹} می‌تواند مقامی بالاتر از کهن گادول هم از نظر احترام و دانش تورا بدست بیاورد^{۲۰} اما کسی که با یک زن غیر یهودی گناه می‌کند فرزندی تولید می‌کند که یهودی نیستند و تمامی قدرتش و نیروی روحانی اش را در این عمل استفاده کرده است. در واقع موضوع از این هم مهمتر است چرا که تولد یک عمل معجزه آساست همانگونه که تلمود می‌گوید^{۲۱} در «ایجاد انسان سه عامل یا شریک دخیل هستند. مادر، پدر و خداوند که به انسان روح می‌بخشد». حتی به عنوان یک عمل فیزیکی تولد یک پدیده معجزه آساست و به این ترتیب ما معنای واقعی عمل بینحاس که تورا در مورد او می‌گوید^{۲۲} او برای خداوندش غیرت ورزید را درک می‌کنیم برای آنکه با این عمل زیمیری، ذات واقعی خداوند در قلمرو گناه قرار می‌گرفت.

اما اگر تفاوت ما بین یسرائل‌ها و اقوام دیگر یکی از قوانین طبیعی است که خداوند مقرر کرده است آیا ممکن است که این قوانین را زیر پا گذاشت. جواب آن است که انتخاب آزاد انسان به او این امکان را میدهد که همچون خداوند بتواند راهش را انتخاب کند همانطور که در تورا آمده است «اینک انسان همچون یکی از ما شده است». حتی اگر چه این عمل عبور و گذر و شکستن مرزهایست که خداوند قرار داده است، انسان می‌تواند همچون خداوند که محدود و مقید به هیچگونه قوانین طبیعی نمی‌باشد چنین عملی را انجام دهد.

و از آنجا که پاداش انسان با عملی که کرده است در رابطه است، بینحاس با عمل خود باعث شد

۱۸- ربماب هیلخوت ایسوری بی ۷-۱۲ ۱۹- بمیدبار ۱۸ شموت ۱۱-۲۶

۲۰- هوریوت ۱۳ الف ۲۱- قیدوشین ۳۰ ب ۲۲- ربماب هیلخوت تشورا آغاز فصل پنجم - برشیت ۲۲-۵

انجام عمل گناه؟ و این سؤال ما پیچیده تر هم می شود^{۱۱} چرا که در تلمود میگوید که این عمل گناه مجازات قطع روح را هم بدنبال خود دارد (کارت) یعنی حتی بعد از مجازات محکوم اثرات گناه هنوز باقی می ماند به این ترتیب چاره ای نیست که بگوئیم که این گناه دارای دو جنبه است جنبه اول آنکه اثرات گناه هنوز باقی می ماند که مجازات آن «کارت» می باشد و جنبه دوم آن که اثرات گناه فقط در زمان انجام گناه باقی است که مجازات آن مرگی است که بدست شخص غیرت مند انجام می شود.

۴- بزرگترین گناهان

برای درک بهتر این مطلب ما می بایست ببینیم که تورا در مورد پینحاس چه می گوید^{۱۲} بنابراین من پیمان صلح و سلامتی ام را به او میدهم. او و دزیت بعد از او آنرا خواهند داشت. پیمان کهانت برای ابد، چرا که او بخاطر خداوند غیرت ورزید^{۱۳}.
این مطلب ایجاد دو مشکل می کند.

الف - از نوع کلمات پاسوق تورا^{۱۴} چرا که او بخاطر خداوند غیرت ورزید^{۱۵} و وقتی که او با غیرت من غیور شد^{۱۶} مشخص می شود که این گناه (روابط ممنوع با زنان غیر) برای خداوند بسیار مهم و از دیگر گناهان متفاوت است همانگونه که راشی می گوید^{۱۷} پینحاس خشم و تعصبی را نشان داد که من (خداوند) می بایست نشان میدادم. چرا این گناه بخصوص، از همه گناهان دیگر مهم تر است؟

ب- پینحاس بخاطر غیرت ورزیدنش مسلماً سزاوار پاداش بزرگی بود. ولی چرا کهانت؟ کهانتی که مخصوص اهرن و پسرانش بود و به عنوان یک کیفیت طبیعی تا به ابد منتقل می شد^{۱۸} به قول راشی^{۱۹} همچون روز و شب که کیفیت طبیعی زمان است و تا به ابد منتقل می شود^{۲۰} و چگونه او ناگهان می توانست کهن بشود؟^{۲۱}

توضیح این است که در میان تمامی گناهان داشتن روابط ممنوع جنسی با زنان غیر، بزرگترین گناهان^{۲۲} به حساب می آید. این وحدت جنسی تمامی خصوصیات وجود یک مرد را در بر می گیرد^{۲۳} نمره این وحدت^{۲۴} ممکن است فرزندی باشد که شاید دارای قدرت هایی حتی بالاتر از پدرش هم باشد. ممکن است مردی که دارای توانایی های بسیار بالایی

اولا بدست شخص غیرت مند محول شده است

ثانیا: باید در همان زمان انجام عمل زنا صورت بگیرد و نه بعد از آن.

تفسیر راشی که می گوید پینحاس به قسمتهای زنانه و مردانه بدن آنها نیزه اش را فرو برد برای آنکه همه بیسرائل ها ببینند که او آنها را بدون علت واقعی و غیر عادلانه نکشته است. در واقع اشاره به آن می کند که کشتن آنها زمانی صورت گرفته است که آنها در حال انجام عمل زنا بوده اند. و اگر آنها را در زمانی بعد از انجام عمل زنا می کشت عمل او برخلاف قانون بود. اما اگر اینگونه است پس چرا راشی بجای آنکه بصورت پیچیده و مبهم بگوید که او آنها را بدون علت واقعی و غیر عادلانه نکشته است بصورت ساده و واضح نمی گوید که برای آنکه همه بیسرائل ها ببینند که او آنها را بر طبق قانون و توصیه قانون کشته است؟

توضیح آن است که در بعضی مواقع بت دین می بایست دست به انجام مجازات گناهکارانی بزند که عمل آنها اثرات بد بر دیگران می گذارد. به عنوان مثال گناهکار در^{۲۵} واقع سزاوار این گونه تنبیه نمی باشد ولی باید یک دیوار محافظتی بدور قوانین تورا کشید^{۲۶} که برای دیگران درس عبرتی باشد و از آن قوانین سوء استفاده نکنند. این مورد پینحاس نیز چنین موردیست. جایی که مردان^{۲۷} بیسرائل به تعداد زیاد منحرف شده و در حال ایجاد روابط نامشروع با زنان غیر یهودی هستند. دریک چنین موردی پینحاس هم ممکن است محق و میرا اعلام بشود حتی اگر زیمیری را بعد از عمل زنایش به قتل میرسانید. اما اگر منطق پینحاس در قتل زیمیری گناهکار اینگونه می بود در اینصورت او را بدون علت واقعی و غیر عادلانه کشته بود. (یعنی بخاطر اثرات بد آن بر دیگران و نه بخاطر انجام خود عمل). بنابراین راشی با این توضیح که می گوید بدون علت واقعی و غیر عادلانه نکشته است قصد دارد به ما بفهماند که پینحاس نه فقط در چهارچوب قانون تورا عمل کرده است بلکه زیمیری هم نه به عنوان یک درس و مثال برای دیگران بلکه بخاطر خود عمل گناه و زنا، سزاوار مرگ بوده است. این مطلب به ما میرساند که راشی نیز خودش بر این عقیده بوده است که شخصی که با زنان هیتی زنا می کند سزاوار کشته شدن است.

۳- انجام عمل مجازات

اما هنوز این سؤال به قوت خود باقی است که اگر شخص گناهکار سزاوار مجازات مرگ است چرا این عمل کشتن او می بایست فقط بوسیله شخص غیرت مند انجام شود و آنهم فقط در زمان